

تبیین مکانیزم‌های اولیه مؤثر در ساختار فضایی منطقه قزوین

امین فرجی ملانی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

a.faraji@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

چکیده

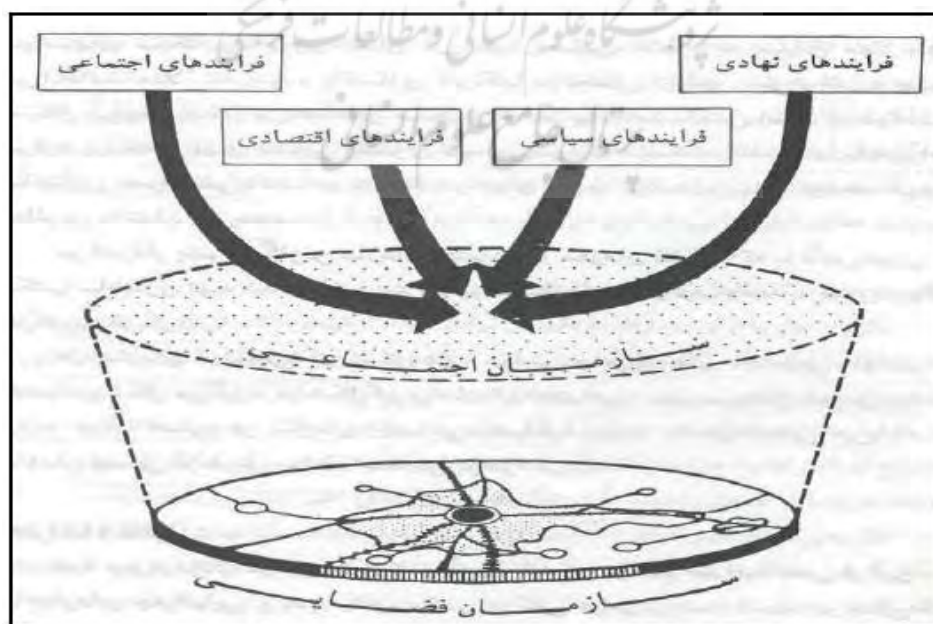
هر فضای جغرافیایی در گذر زمان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی دچار تغییر و تحول شده و نمایش متفاوتی از چیدمان فضایی عناصر را عرضه می‌کند. در این مقاله ساختار فضایی منطقه قزوین مورد بررسی قرار گرفته و مکانیزم‌های اولیه مؤثر در چنین ساختاری تبیین می‌گردد. روش مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و از نوع تبیین علی بوده و در چارچوب مطالعات کاربردی قرار می‌گیرد. مجموعه داده‌های مورد نیاز این مقاله برگرفته از مرکز آمار ایران و سازمان‌های فعال در استان قزوین است. به منظور تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های آماری شامل رتبه-اندازه، I Moran's، I Standard Deviational Ellipse و تابع K استفاده شده است. بر مبنای بررسی‌های انجام گرفته ساختار فضایی منطقه قزوین یک ساختار متمرکز و تک‌هسته‌ای است که بخش قابل توجهی از جمعیت و فعالیت در یک نقطه شهری یعنی شهر قزوین متمرکز شده است و در تبیین چنین ساختار، مکانیزم‌های اولیه در سطح جهانی، ملی و منطقه مورد بررسی قرار گرفت. که می‌توان بستر طبیعی، روند تاریخی، تأثیر فرایند صنعتی شدن منطقه، موقعیت مواصلاتی، دولت و ... از فرایندهای اولیه اصلی در شکل‌یابی ساختار فضایی منطقه است.

واژگان کلیدی: ساختار فضایی، جمعیت، فعالیت، مکانیزم اولیه، منطقه قزوین.

پژوهشگاه ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بررسی و مطالعه ساختار فضایی، در واقع تحلیل عینیت‌های اجتماعی است که به‌طور تاریخی به‌صورت واقعیت‌های انعکاس یافته در جغرافیای هر منطقه ایجاد شده است. از نظر تئوریک و عملی می‌توان نخستین مطالعات مرتبط با سازمان و ساختار فضایی را در بررسی سکونتگاه‌ها در ارتباط با تولید کشاورزی (von Thünen, ۱۸۲۶). مکان‌های صنعتی و توزیع منابع (Weber, ۱۹۰۹) یا مراکز تجاری و خدمات (Christaller, ۱۹۳۳؛ Reilly, ۱۹۳۱) دانست. در نهایت موضوع سازمان فضایی و ساختارهای جغرافیایی جمعیت و فعالیت امروزه از موضوعات اقتصادی به موضوعات اجتماعی و فرهنگی تغییر جهت داده است (Klapka et al, ۲۰۱۰: ۵۳). این تغییر جهت به‌واسطه تلاش جغرافیدانانی است که صورت‌بندی‌های نظری نوسازی در تبیین فرم‌های جغرافیایی را رد کرده و با دیدگاهی رادیکال به تحلیل ریشه‌ای مسائل پرداختند. لذا می‌توان گفت سازمان فضایی زیستگاه‌های انسانی، شهری و ناحیه‌ای، نتیجه مستقیم فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نهادی است (شکل شماره ۱). بر اساس دیدگاه‌های موجود، یکی از عوامل مؤثر در مشکلات ناشی از شهرنشینی و شهرگرایی، کم‌توجهی به آثار فضایی خط‌مشی‌های اقتصادی در کشورهاست. به‌طوری‌که عدم ارتباط منطقی بین توزیع و تخصیص سرمایه‌گذاری‌ها با عامل مکان و فضا از یک‌طرف و توزیع منابع به‌صورت بخشی، از سوی دیگر، آثار فضایی ناخواسته‌ای را در پی داشته که از آن جمله می‌توان به عدم تعادل در توزیع امکانات و نابرابری‌های درآمدی بین مناطق و گرایش به تمرکز در یک یا چند نقطه محدود اشاره کرد (محمد زاده تیتکانلو، ۱۳۸۱). بر مبنای نگرش مکتب ساختارگرایی هر سازمان فضایی می‌بایست به‌عنوان محصول یک کل تبیین گردد (شکویی، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۱۸). لذا شکل‌های فضایی نتیجه پویایی ساختار کلی جامعه است (کاستلز، ۱۳۸۴: ۴۷۵). چنان‌که دیوید هاروی در این رابطه چنین اظهار می‌دارد که هر نقشه متحرک، جریان‌های متلاطمی در توسعه جغرافیای ناموزون را ترسیم خواهد کرد که باید رد گرفته شوند تا بفهمیم که چگونه دگرگونی‌های محلی به روندهای کلی‌تر مربوط می‌شوند (هاروی، ۱۳۸۶: ۱۲۵).



شکل شماره ۱- سازمان اجتماعی و سازمان فضایی (از یتس و گارنر، به نقل از شکویی، ۱۳۸۵: ۱۱۹)

در ارتباط با فضا (ساختار منطقه) و فرایندهای اجتماعی، می‌توان گفت که درک فضا با تمام پیچیدگی‌هایش مستلزم درک و شناخت فرایندهای اجتماعی، و درک فرایندهای اجتماعی با تمام پیچیدگی‌هایش مستلزم درک اشکال فضایی است (دیوید هاروی به نقل از شبلینگ، ۱۳۷۷). در این میان هیچ جامعه‌ای، بدون فضایی که خود آن را سازمان بخشیده است وجود خارجی نمی‌یابد و می‌باید به شناسایی نیروهای سازنده و پدیدآورنده فضای جغرافیایی و محتوای اجتماعی فضا پرداخت (شکویی، ۱۳۷۵). در فرایند تحول سازمان‌یابی فضایی سکونتگاه‌ها، عوامل یا نیروهای درونی و بیرونی کل شهر و پیرامون، متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (مهدوی وفا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱). از آنجا که، شناخت، تبیین و بررسی پدیده‌های مکانی-فضایی در چارچوب روابط متقابل انسان و محیط و کشف قانونمندی‌های حاکم بر شکل‌گیری، تغییر و تحولات این پدیده‌ها هدف اصلی و موضوع مهم مطالعات جغرافیایی می‌باشد؛ از این رو، هدف از انجام این پژوهش، تبیین مکانیزم‌های مؤثر در ساختار فضایی منطقه (استان) قزوین می‌باشد. آنچه در این مقاله مدنظر است در واقع تحلیل "چرایی‌های" ساختار فضایی منطقه در کنار "چگونگی‌های" توزیع فضایی جمعیت و فعالیت است. در این راستا از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و با بهره‌گیری از ابزارهای اسنادی، داده‌های موردنیاز تحقیق گردآوری شده است.

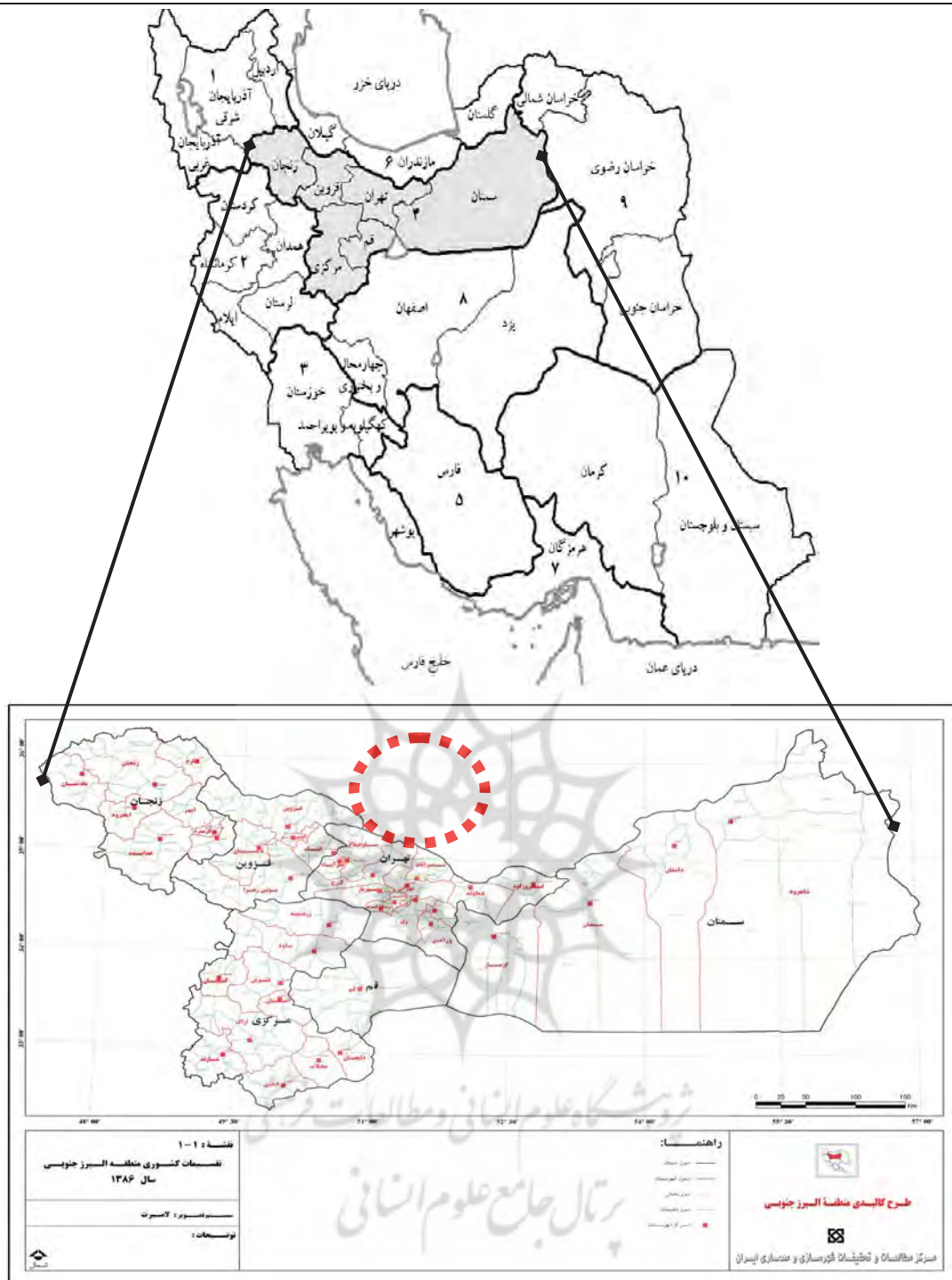
منطقه قزوین به‌عنوان یک قطب صنعتی بزرگ کشور، از یک سو به علت تمرکز فعالیت‌های صنعتی در یک شهرستان (شهرستان قزوین) و از سوی دیگر به علت همسایگی با یکی از پرتراکم‌ترین و متمرکزترین کلان‌شهرهای کشور یعنی تهران (که در بسیاری موارد به‌عنوان قطب‌های سرریز پذیر تهران مطرح می‌باشد)، درگیر مسائل و مشکلات انباشتگی توسعه در یک گستره محدوده و محرومیت در گستره وسیعی است. در واقع سیاست تمرکززدائی صنایع از تهران (در سال ۱۳۴۲) موجب به وجود آمدن برخی از تخصص‌های صنعتی در بعضی از شهرها گردید. که در این میان می‌توان به صنایع ماشین‌سازی و تولید آلومینیم در اراک، صنایع نساجی و الکتریکی در رشت، قم، کاشان و یزد؛ صنایع ماشین‌سازی در تبریز، صنایع تولیدات فلزات اساسی در اهواز، صنایع پتروشیمی و الکتریکی در شیراز، صنایع تولیدات فلزات اساسی و نساجی در اصفهان؛ صنایع غذایی و نساجی در مشهد؛ صنایع پتروشیمی در بندر امام و تولیدات لوازم بادوام خانگی و صنایع کانی فلزی در قزوین اشاره کرد (معصومی اشکوری، ۱۳۸۳: ۸۲). در این راستا به نحوی قطبی شدن و تمرکز صنایع توزیع شده در شهر قزوین و شهرستان قزوین منجر به ایجاد نوعی تمرکز و نابرابری در توسعه منطقه‌ای در این استان گردید. لذا در این زمینه می‌توان گفت چنین تمرکز فعالیتی منجر به تمرکز جمعیتی شده و درنهایت منجر به عدم توازن منطقه‌ای می‌گردد. اهمیت موضوع زمانی آشکارتر می‌گردد که بر مبنای سند مطالعات آمایش سرزمین، استان قزوین در کنار استان‌هایی چون بوشهر، خوزستان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، سمنان، یزد و کرمان به‌عنوان بخشی از محور صنعتی کشور خواهد بود (دفتر آمایش و توسعه پایدار، ۱۳۸۳: ۲۷). این مسئله به‌خوبی ضرورت بررسی و تبیین ساختار فضایی منطقه‌ای را نشان می‌دهد. و این سؤالات طرح می‌گردد که ساختار کنونی جمعیت و فعالیت در استان قزوین چه الگویی دارند؟ روند آن در گذر زمان چه تغییراتی کرده است؟ و مکانیزم‌هایی که منجر به شکل‌یابی چنین الگویی شده است شامل چه مواردی است؟ به‌منظور پاسخگویی به سؤالات و تحلیل این مسئله ابتدا وضع موجود ساختار فضایی منطقه قزوین بررسی شده و سپس مکانیزم‌های اولیه (شکل‌دهنده) این ساختار در سه سطح جهانی، ملی و منطقه‌ای تبیین می‌گردد.

مبانی نظری

از میان مجموع نظریه‌های طرح‌شده در حوزه توسعه منطقه‌ای و ملی و تغییرات ساختار فضایی عناصر جغرافیایی، می‌توان نظریه اقتصاد-سیاسی را که برآمده از فلسفه ساختارگرایی است (نگاه کنید به پیران، ۱۳۷۰ و افروغ، ۱۳۷۷) به‌عنوان چارچوب عام و نظریه کلان مرتبط با پژوهش انتخاب کرد و در بخش‌های مختلف به‌عنوان نظریه مبنا به آن مراجعه کرد (شکل شماره ۲). ساختارگرایی فلسفه‌ای است که بر مبنای آن علل و عوامل دخیل در الگوها بر اساس اصول خاصی بررسی می‌گردد و در عمل به معنای آن است که تبیین پدیده‌های مورد مشاهده نمی‌تواند تنها از خلال مطالعه تجربی آن پدیده به‌تنهایی محقق گردد و بایستی در چارچوب ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موردبررسی قرار گیرد (Pacione, 2005: 29). در مکتب ساختارگرایی منطقه و پدیده‌های منطقه‌ای بخشی از یک جامعه وسیع‌تر محسوب می‌شوند و برای شناخت عمیق‌تر و منطقی‌تر مسائل منطقه‌ای باید کل جامعه و سیستم جهانی که منطقه نیز جزئی از آن است؛ موردبررسی قرار گیرد. بر مبنای شکل شماره ۲ می‌توان ساختار فضایی منطقه‌ای و ملی در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران را در زمینه عام عدم تعادل‌های منطقه‌ای مورد تحلیل و تبیین قرارداد. درعین حال پارامترهای طبیعی در توزیع عناصر جغرافیایی جمعیت و فعالیت نقش اساسی دارد. چنان‌که در این راستا می‌توان نظریات گریفیت تیلر (شکویی، ۱۳۹۱) و نیز اندیشمندان معتقد به جبر جغرافیایی را مورد توجه قرارداد. از طرفی موقعیت استراتژیک هر فضایی جغرافیایی در تعیین جایگاه آن و یا به عبارتی دربرتری یک نقطه نقش بی‌بدیلی دارد. در این زمینه تأکید اصلی بر نظریه هارتلند هلفورد مکی‌ندر می‌باشد (مراجعه شود شکویی، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۵).

محدوده مورد مطالعه

استان قزوین بخشی از منطقه البرز جنوبی (بر اساس تقسیمات طرح کالبد ملی) می‌باشد (نقشه شماره ۱ و ۲). این استان با قرار گرفتن در محل تلاقی رشته‌کوه‌های البرز و زاگرس و با مساحت ۱۵۸۲۰ کیلومترمربع در حاشیه شمال غربی فلات مرکزی ایران واقع شده است. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ این منطقه از ۵ شهرستان (ناحیه)، ۲۴ نقطه شهری و ۹۰۰ روستا تشکیل شده است.



شکل شماره ۱- موقعیت منطقه البرز جنوبی در طرح کالبد ملی و استان قزوین (منبع: وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۸۷)

روش پژوهش

در این مقاله از روش تبیین علی در تحلیل چرایی ساختار فضایی منطقه قزوین بهره گرفته شده است. از نظر هدف این مقاله در دسته مطالعات کاربردی و بنیادی قرار گرفته و بر مبنای شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق در دسته مطالعات کمی غیرآزمایشی قرار می‌گیرد. محدوده مورد مطالعه کل استان قزوین بوده و داده‌های مورد نیاز از مرکز آمار ایران و نیز مراکز و سازمان‌های منطقه قزوین تهیه گردیده است. به منظور بررسی وضع موجود ساختار فضایی جمعیت و فعالیت

در این منطقه از تکنیک‌های آماری چون رتبه-اندازه، ضریب توزیع، ضریب تمرکز و ... و درعین حال از ابزارهای آمار فضایی^۱ در قالب نرم‌افزار GIS شامل Moran's I، Standard Deviational Ellipse و تابع K استفاده شده است (عسگری، ۱۳۹۰). به منظور دستیابی به یک چارچوب منطقی از بررسی‌ها، این مقاله در دو سطح تدوین خواهد شد: از یک سو به منظور نمایش و ترسیم ساختار و الگوی فضایی منطقه از روش تحقیق اکتشافی باهدف نمایش ماتریس توزیع فضایی فعالیت و جمعیت استفاده شده است. در این راستا ابتدا توزیع نقاط شهری و نیز پراکنش نقاط فعالیتی (مراکز صنعتی) شناسایی شده و از سوی دیگر به منظور تحلیل مکانیزم‌های بروز چنین الگویی از توزیع فضایی، از روش تحقیق تبیین علی استفاده شده است. در واقع بر اساس دیدگاه ساختارگرایی در مطالعات جغرافیایی، هر منطقه به‌عنوان یک سیستم از عناصری تشکیل شده است که پراکنش و استقرار آن‌ها در سطح فضای منطقه تابع مکانیزم‌های خاصی است. مکانیزم‌های تأثیرگذار ساختار فضایی منطقه قزوین، در دودسته کلی قابل طرح است. دسته نخست مکانیزم‌های شکل‌دهنده یا اولیه هستند که در واقع مکانیزم‌هایی را در برمی‌گیرد که، نقطه شروع شکل‌یابی ساختار فضایی منطقه قزوین هستند و در واقع آغازگر روندی بوده‌اند که امروز تشدید شده است. روش بررسی این مکانیزم‌ها، اسنادی بوده و با توجه به سه سطح بین‌المللی، کلان ملی و خرد منطقه‌ای مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در بررسی مکانیزم‌های شکل‌دهنده تأکید اصلی بر روند شکل‌گیری نظام شهری است و آگاهانه بر این مسئله به‌عنوان برون‌داد اصلی توجه شده است. دسته دوم، مکانیزم‌های تشدیدکننده یا ثانویه هستند که در واقع مرتبط با وضعیت ساختار ارتباطی و تعاملات موجود در نظام ساختار فضایی منطقه است که به نحوی منجر به پایدار شدن نابرابری‌ها در فضای جغرافیایی منطقه می‌گردد. در این مقاله صرفاً به مکانیزم‌های اولیه پرداخته شده و مکانیزم‌های تشدیدکننده در مجالی دیگر و در مقاله‌ای دیگر ارائه می‌گردد.

بحث و یافته‌ها

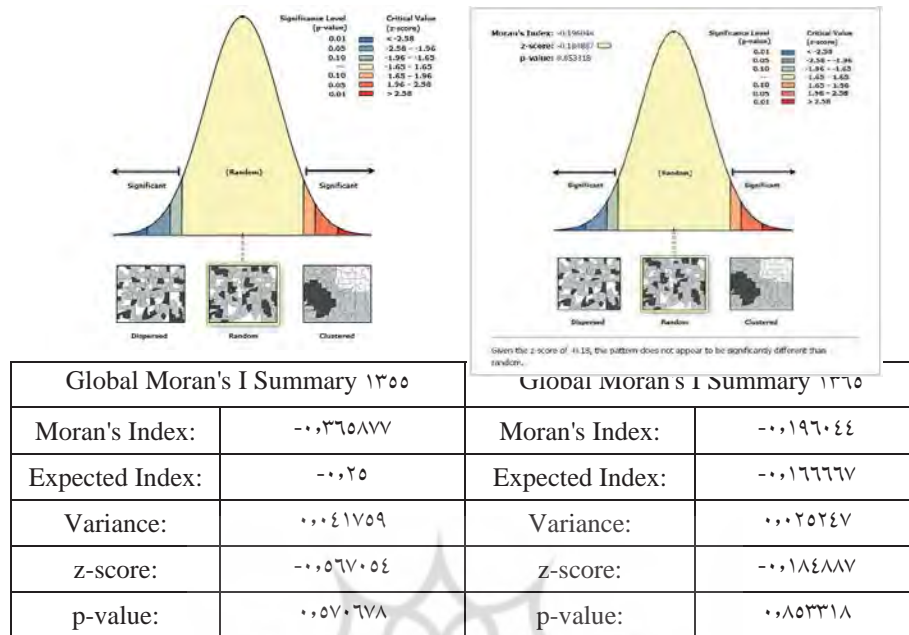
ساختار فضایی جمعیت: به منظور بررسی تغییرات تمرکز نقاط شهری در منطقه قزوین در بازه زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ از آزمون بیضی‌های انحراف استاندارد^۲ در فضای GIS استفاده شده است. بر مبنای نقشه شماره ۳ می‌توان گفت تحولات تمرکز نقاط شهری در بازه زمانی موردنظر از جنوب شرق به سوی مرکز منطقه با مرکزیت شهر قزوین در حرکت است و در هر دوره تمرکز بیشتری را نشان می‌دهد. شکل‌گیری بخش قابل توجهی از روستا-شهرهای پیرامون شهر قزوین و تاکستان (به تعبیر فریدمن فضاهای تجهیز شده) به‌عنوان شهرهای مهم منطقه، روند تمرکز را به سوی هسته اصلی منطقه نشان می‌دهد. همچنین بر اساس نتایج ابزار موران جهانی^۳ روند تحولات تغییرات ساختار فضایی نقاط شهری از حالت رندوم در سال ۱۳۵۵ به سوی تمرکز در سال ۱۳۸۵ در حرکت است (اشکال شماره ۳ تا ۶). البته در سال ۱۳۸۵ پیدایش ۴ شهر در پهنه شمالی منطقه (سیردان، معلم کلایه، کوهین و راز میان) از مقدار تمرکز ساختار فضایی نقاط شهری در مرکز را کاسته است.

1-Spatial Statistics Tools

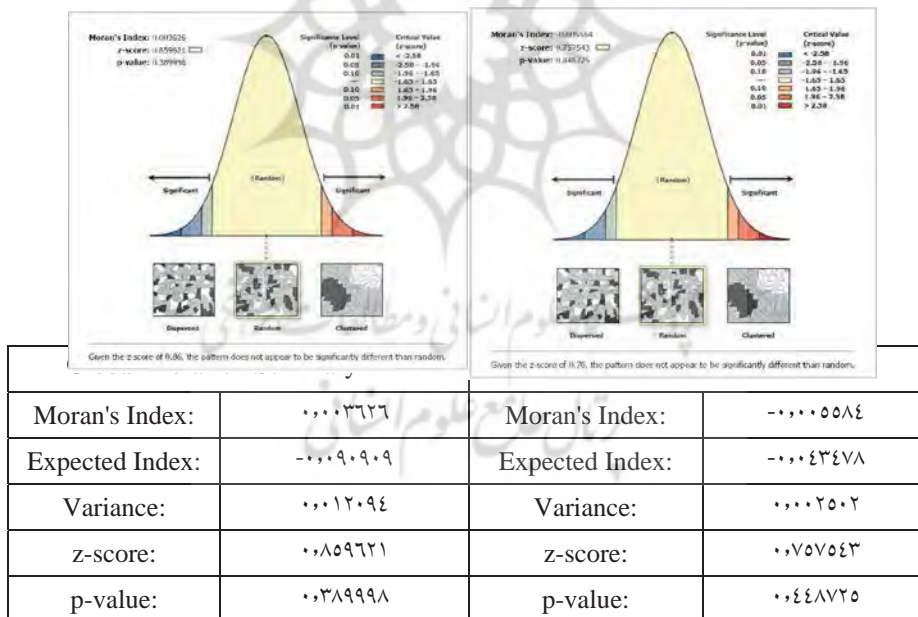
2-Standard Deviational Ellipse

3- Global Morans` I

این موضوع در مقدار Z-score سال ۱۳۸۵ (۰,۷۵۷۵۴۳) به‌طور محسوسی نسبت به سال ۱۳۷۵ (۰,۸۵۹۶۲۱) قابل‌مشاهده است.



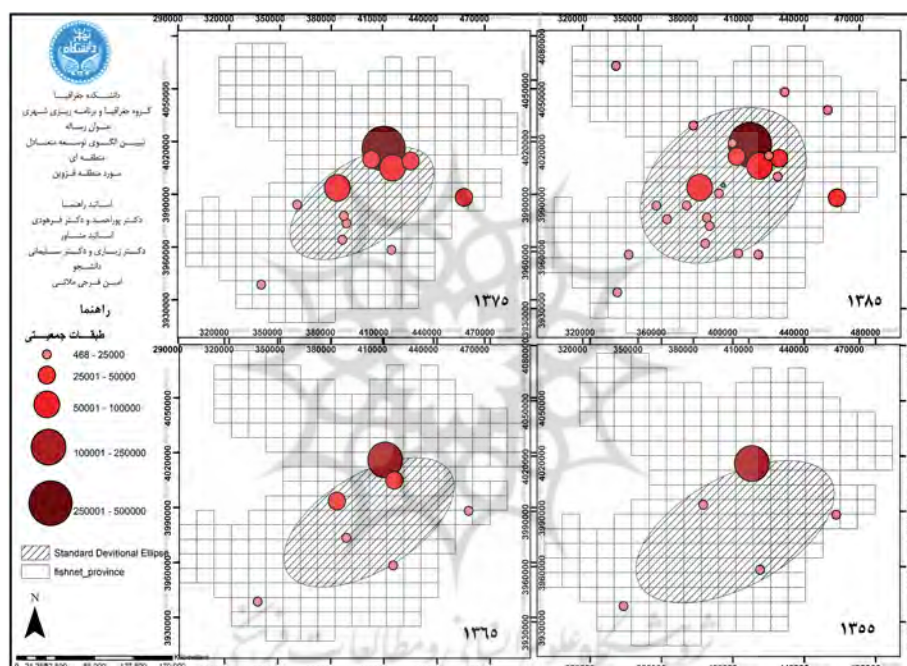
شکل شماره ۳- تمرکز نقاط شهری در منطقه قزوین ۱۳۶۵: شکل شماره ۴: تمرکز نقاط شهری در منطقه قزوین ۱۳۵۵



شکل شماره ۵- تمرکز نقاط شهری در منطقه قزوین ۱۳۸۵: شکل شماره ۶: تمرکز نقاط شهری در منطقه قزوین ۱۳۷۵

در کنار گرایش فضایی تمرکزگرایی نقاط شهری در منطقه می‌توان روند تحولات تمرکز جمعیتی را نیز در منطقه مشاهده نمود. از سال ۱۳۷۵ به بعد با تبدیل ۱۲ نقطه روستایی به نقطه شهری تعداد شهرهای منطقه دو برابر شده است. البته از این تعداد شهر، ۱۰ شهر جمعیتی زیر ۱۰ هزار نفر و دو شهر دیگر نیز جمعیتی کمتر از ۲۵ هزار نفر داشته‌اند. بدین لحاظ با توجه به نقشه شماره ۳ ملاحظه می‌شود که در سال ۱۳۸۵، شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر به ۱۸ نقطه شهری افزایش یافته

است که سهم تعداد شهرهای این طبقه ۷۵ درصد از کل شهرهای منطقه رسیده است. افزایش تعداد شهرهای این طبقه جمعیتی، منجر به افزایش سهم جمعیتی شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر چه به لحاظ نسبی و چه مطلق نسبت به سال ۱۳۷۵ شده است. بر اساس نظریه دولت و شهرنشینی (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۶۵-۱۴۳)، فرایند گسترده مداخلات دولتی، منجر به پیدایش شهرهایی شده است که نه به لحاظ آماری (نقاط با ۱۰ هزار نفر)، نه به لحاظ اقتصادی (تسلط اقتصاد غیر کشاورزی) و نه به لحاظ سیما و کالبد، واجد شرایط شهر شدن نیستند. شهرهای ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر هرچند در سال ۱۳۸۵ با تغییری در تعداد شهر مواجه نبوده است اما جمعیت این دسته از شهرها با افزایش جمعیت ۴۵۰۰۰ نفری نسبت به سال ۱۳۷۵ مواجه بوده‌اند ولی به سبب افزایش بسیار زیاد شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر، به لحاظ نسبی سهم این دسته از شهرها نسبت به سال ۱۳۷۵ تنها نزدیک به ۱ درصد افزایش داشته است (نقشه شماره ۷).



شکل شماره ۷- پراکندگی نقاط شهری منطقه قزوین در سال ۸۵-۱۳۵۵ (منبع نقشه پایه: نقشه تقسیمات کشوری، ۱۳۸۸ - ترسیم نگارنده)

هرچند تعداد شهرهای گروه جمعیتی ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری در دو شهر ثابت مانده اما به خاطر افزایش شهرهای کوچک، سهم جمعیتی این دسته از شهرها به طور نسبی کاهش یافته است. شهر قزوین نیز به عنوان تنها شهر بالای ۲۵۰ هزار نفر همچنان در جایگاه قبلی خود باقی مانده است. به طور کلی می توان بر اساس چهار طبقه جمعیتی شهرها (کوچک، متوسط، بزرگ و کلان شهر) الگوی نامتوازن شبکه شهری را به لحاظ جمعیت مشاهده نمود به طوری که بیش از ۸۷/۵ درصد از شهرهای منطقه (شهرهای کوچک) کمتر از ۳۶ درصد از جمعیت شهری منطقه را در سال ۱۳۸۵ دارا بوده‌اند و در عوض کمتر از ۴/۲ درصد از شهرها (تنها شهر بزرگ قزوین) حدود ۴۵/۷ درصد از جمعیت شهری را به خود اختصاص داده است. ضمن اینکه در این منطقه، کلان شهر وجود ندارد. این موضوع در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ نیز دیده می شود (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱- توزیع جمعیت شهرهای منطقه قزوین برحسب گروه‌های جمعیتی کوچک، متوسط و بزرگ (منبع: مرکز آمار ایران - محاسبات نگارنده)

طبقات جمعیتی		۱۳۵۵				۱۳۶۵				۱۳۷۵				۱۳۸۵			
		تعداد شهر		جمعیت شهری		تعداد شهر		جمعیت شهری		تعداد شهر		جمعیت شهری		تعداد شهر		جمعیت شهری	
		نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق		
کوچک (کمتر از ۵۰ هزار نفر)	۲۸۱۳۲	۱۹،۴	۴	۸۰	۱۱۷،۵۰	۳۲	۶	۵۸،۷	۴۹۱۹۳	۲۶،۹	۹	۷۵	۲۷۹،۳۶	۳۵،۹	۲۱	۸۷،۵	
متوسط (۵۰ تا ۲۵۰ هزار نفر)	۱۳۹۲۵۸	۸۰،۶	۱	۲۰	۲۴۸۵۹۱	۶۸	۱	۱۴،۳	۱۱۴۹۵۰	۲۰،۷	۲	۱۶،۷	۱۴۳۳۰۰	۱۸،۵	۲	۸،۳	
بزرگ (بالاتر از ۲۵۰ هزار نفر)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۹۱۱۵۸	۵۲،۴	۱	۸،۶۳	۳۵۵۳۳۸	۴۵،۷	۱	۴،۲	

بر اساس داده‌ها و آمارهای مرکز آمار، بخش قابل توجهی از جمعیت منطقه در یک شهر یعنی شهر قزوین متمرکز شده است. چنان‌که بر اساس بررسی الگوی رتبه اندازه در چهار دوره سرشماری (۱۳۵۵-۱۳۸۵) نیز می‌توان اختلاف شهر نخست را نسبت به شهر دوم مشاهده نمود.



شکل شماره ۸- روند تغییرات رابطه رتبه و اندازه شهرهای منطقه قزوین دوره ۸۵-۱۳۵۵

درعین حال توزیع نقاط شهری نیز در پیرامون شهر اصلی هسته‌ای را به شکل منطقه شهری ایجاد نمود است. درواقع علاوه بر ناموزونی حجم جمعیتی نقاط شهری، پراکندگی آن‌ها در ساختار فضایی منطقه نیز نابرابر و نامتوازن است. بخش

قابل توجهی از نقاط شهری پیرامون شهر قزوین و در درجه بعد در اطراف شهر تاکستان گردآمده‌اند. لذا بر اساس نقشه شماره ۳ ساختار فضایی منطقه ساختاری تک‌هسته‌ای و متمرکز است.

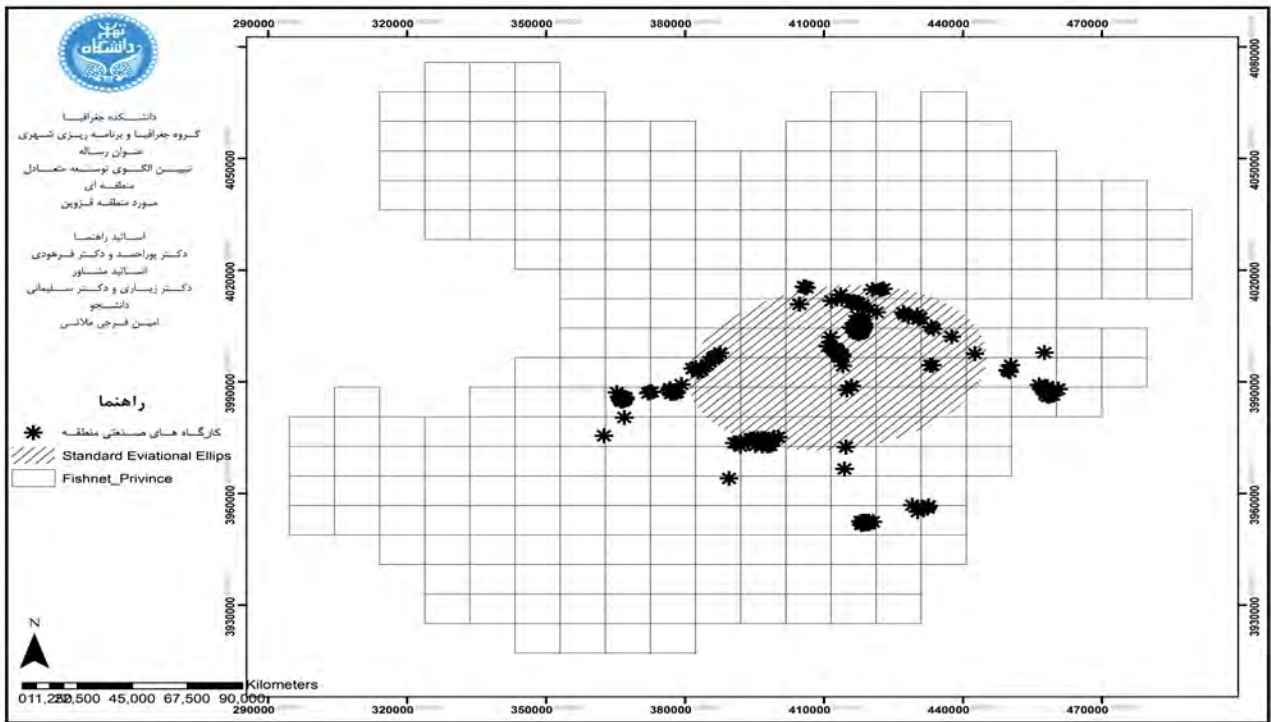
ساختار فضایی فعالیت: با اعمال محدودیت احداث صنایع جدید در محدوده شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران از اواخر دهه چهل (زبردست، ۱۳۸۶؛ به نقل از زیویار و فرجی ملائی، ۱۳۹۱)، استان قزوین با توجه به هم‌جواری با استان تهران و همچنین شبکه ارتباطی مناسب با تهران و قرار گرفتن در مسیر ترانزیتی تهران-اروپا، در مسیر توسعه شتاب‌ناکی قرار گرفت. چگونگی پراکندگی واحدهای بزرگ صنعتی در استان قزوین (نقشه شماره ۴) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۴، ۲۱/۳ درصد واحدهای صنعتی در شهرستان قزوین، ۵۰/۱ درصد در شهرستان البرز، ۱۴/۵ درصد در شهرستان بوئین‌زهرا، ۱۲/۱۳ درصد در شهرستان تاکستان و ۱/۲ درصد در شهرستان آبیک استقرار داشته‌اند (جدول شماره ۲ و شکل شماره ۹). بر اساس نتایج آزمون بیضوی‌های انحراف استاندارد که در نقشه شماره ۴ نشان داده شده است؛ ساختار فضایی فعالیت (صنعت) در منطقه، ساختاری متمرکز است.

جدول شماره ۲- پراکندگی و اشتغال واحدهای صنعتی با بیش از ۱۰ نفر کارکن استان (۱۳۸۴) (منبع: مرکز آمار ایران)

شهرستان	جمع		۱۰ تا ۴۹ نفر		۵۰ تا ۹۹ نفر		بیش از ۱۰۰ نفر	
	تعداد	اشتغال	تعداد	اشتغال	تعداد	اشتغال	تعداد	اشتغال
کل استان	۵۰۳	۴۹۰۰۱	۲۹۶	۶۹۰۰	۸۶	۵۸۴۱	۱۲۱	۳۶۲۶۰
بوئین‌زهرا	۷۳	۲۸۵۲	۶۸	۱۳۵۲	۲	۱۳۷	۳	۱۳۶۳
تاکستان	۶۱	۵۱۳۴	۳۱	۷۳۱	۱۲	۷۷۴	۱۸	۳۶۲۹
قزوین	۱۰۷	۹۷۴۳	۷۱	۱۴۹۶	۱۳	۸۵۸	۲۳	۷۳۸۹
آبیک	۱۰	۶۰۹	۶	۱۶۰	۲	۱۶۲	۲	۲۸۷
البرز	۲۵۲	۳۰۶۶۳	۱۲۰	۳۱۶۱	۵۷	۳۹۱۰	۷۵	۲۳۵۹۲

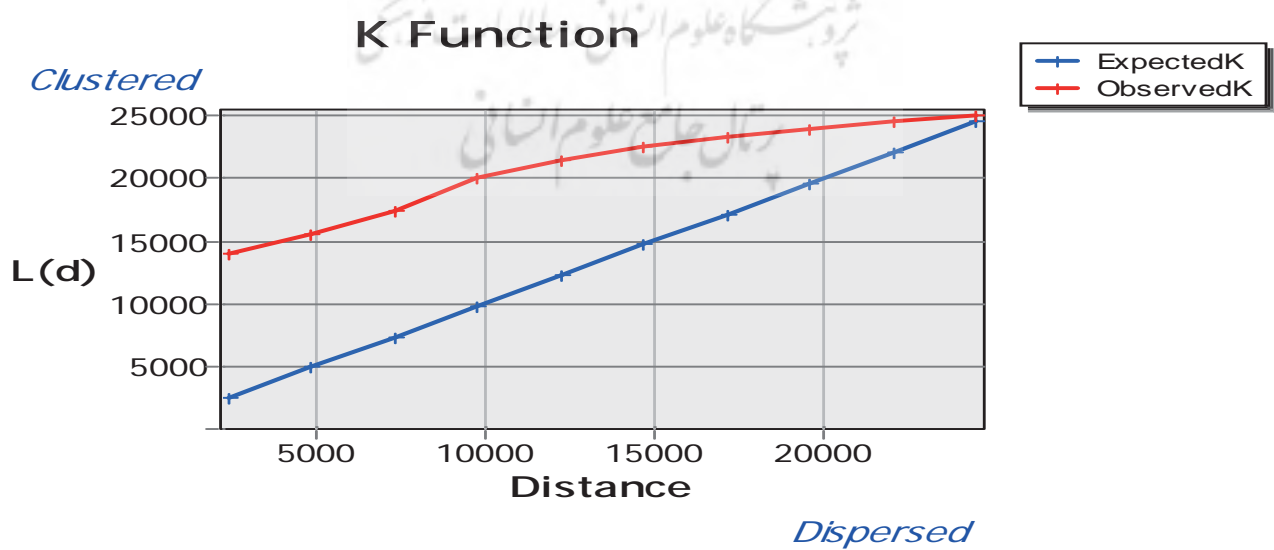


شکل شماره ۹- پراکندگی و اشتغال واحدهای صنعتی با بیش از ۱۰ نفر کارکن استان قزوین (۱۳۸۴)



شکل شماره ۱۰- پراکنندگی کارگاه‌های صنعتی در منطقه قزوین (منبع: مرکز آمار ایران - ترسیم نگارنده)

به‌منظور پشتیبانی نتایج آزمون بیضوی‌های انحراف استاندارد در رابطه با الگوی فضایی توزیع کارگاه‌های صنعتی در منطقه از تابع K نیز استفاده شده است. با توجه به اینکه مقادیر مربوط به کارگاه‌های صنعتی (مقادیر مشاهده‌شده) بالای خط مربوط به الگوی مورد انتظار است لذا توزیع کارگاه‌ها در منطقه کاملاً خوشه‌ای و متمرکز است (شکل شماره ۱۱).



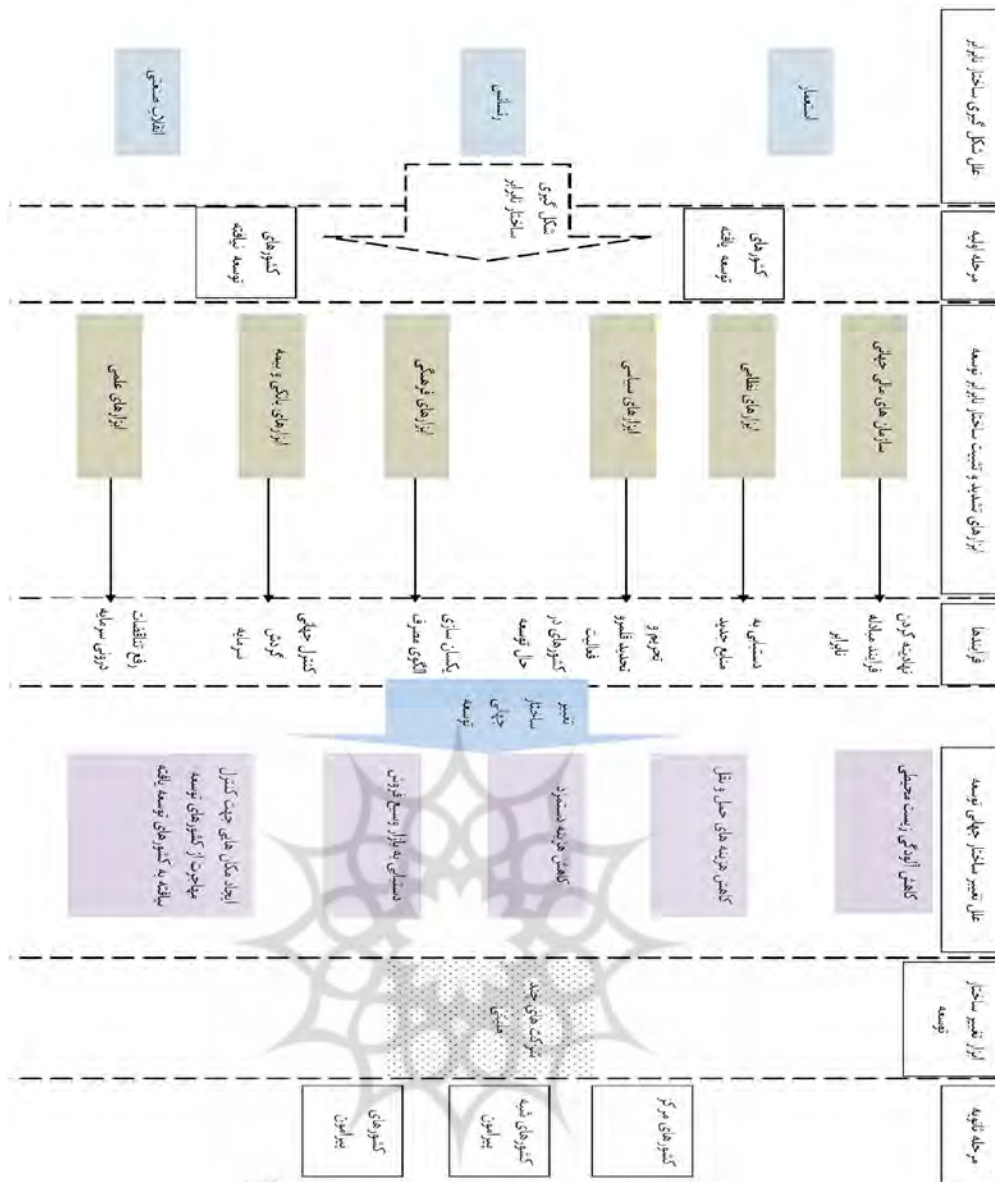
شکل شماره ۱۱- ساختار فضایی توزیع کارگاه‌های صنعتی در منطقه قزوین (K)

به منظور دستیابی به چگونگی استقرار و توزیع واحدهای صنعتی در سطح استان از روش ضریب توزیع نیز استفاده شده است. این شاخص بیانگر تراکم واحدهای تولیدی در یک منطقه می‌باشد (نگاه کنید به حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵). با توجه به این شاخص، شهرستان البرز دارای تراکم بسیار بالا بوده، شهرستان قزوین تراکم نسبتاً بالا، شهرستان‌های بوئین‌زهرا و تاکستان دارای سهم متعادل بوده و شهرستان آبیک دارای سهم پایینی از صنایع استان می‌باشد. علاوه بر این می‌توان با استفاده از این شاخص، تراکم نوع فعالیت (خوشه‌های صنعتی) را در هر مکان به دست آورد به طوری که در شهرستان قزوین بالاترین تراکم متعلق به گروه ماشین‌آلات دفتری و حسابداری می‌باشد، در شهرستان البرز بالاترین تراکم به گروه حاصل از نفت و ابزار پزشکی، اپتیکی، دقیق و ساخت ساعت تعلق داشته و در شهرستان آبیک نیز گروه کک و فرآورده‌های حاصل از نفت بیشترین تراکم را دارد.

مکانیزم‌های اولیه مؤثر

۱- مکانیزم‌های جهانی

امروزه در عرصه جهانی، سرمایه‌داری باهدف بسط هر چه بیشتر سلطه خود، فضا و یا جغرافیا را به‌عنوان یکی از اهرم‌های دسترسی به اهداف خود قرار داده و باهدف دستیابی به سود بیشتر، نظام شهری را مطابق با اهداف خود سازمان‌دهی می‌کند. چنان‌که دیوید هاروی می‌گوید: "شهر گرایی در مقیاس جغرافیایی رو به رشد، نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب مازاد سرمایه داشته است" (Harvey, 2008: 37). به‌طور خلاصه می‌توان مهم‌ترین ابزارها و فرایندهای ایجادکننده و تشدیدکننده الگوی نابرابر جهانی توسعه را به‌صورت شکل شماره ۸ ارائه نمود (شکل شماره ۸ برگرفته از: بهیکش، ۱۳۸۰؛ میتلمن، ۱۹۹۴؛ رهنمایی و ثوقی لنگ، ۱۳۹۲، رهنمایی، ۱۳۷۳؛ امین، ۱۳۸۰، رزمی، ۱۳۸۳). چنین فرایندی در سطح ملی در کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه منجر به تجهیز و توسعه شهرهایی گردید که دارای موقعیت خاص مانند نقاط بندری و یا دارای تجهیزات و زیرساخت‌ها بودند. چنان‌که در ایران محور قرار گرفتن شهر تهران خود گواهی بر این مدعا است. از طرفی شهرهای مرکزی استان و یا شهرستان (در رتبه بعد) به‌واسطه برخورداری نسبی از زیرساخت‌ها بیش از سایر نقاط پتانسیل استقرار و تمرکز صنایع و فعالیت‌ها را داشتند. در نگاهی دیگر چنین نابرابری‌هایی را در مقیاس شهر و روستا و حتی صنعت در برابر کشاورزی می‌توان مشاهده کرد. این مکانیزم‌ها نقطه آغازی در تفکیک جوامع کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته به دو بخش سنتی و مدرن گردید. نقطه عطف این تغییرات در کشور ایران را می‌توان اقدامات شبه مدرنیسم پهلوی اول و انجام اصلاحات ارضی در پهلوی دوم دانست.

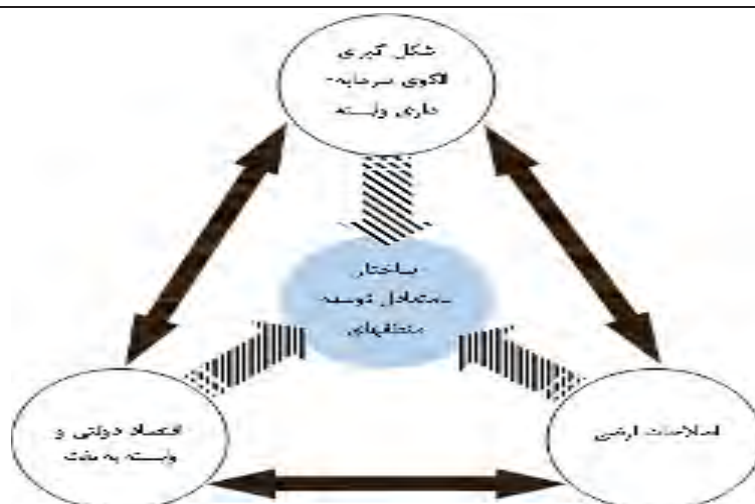


شکل شماره ۱۲- فرایند تحولات نظام جهانی توسعه و مکانیزم‌های مؤثر

۲- مکانیزم‌های ملی

در سطح ملی می‌توان به نقش بی‌بدیل دولت به‌ویژه از سال‌های پس از مشروطه در سازمان‌دهی ساختار فضایی ملی در ایران اشاره کرد. «ساختار و تشکیلات کلان دولت، سیاست‌ها و تصمیمات دولتی یکی از علل و عوامل مهمی است که به دخالت در سازمان‌یابی فضا انجامیده است» (Aguilar and Ward, ۲۰۰۳؛ Lo, ۱۹۹۴؛ Saito, ۲۰۰۰). در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، همواره سیاست‌های دولتی به علت تسلط بر فرایند توزیع بودجه، نقش مهمی در شکل‌گیری ساختار منطقه‌ای و ملی داشته است. در این میان پایتخت‌ها به‌عنوان مرکز حکومت و نیز مراکز استان در معرض تحولات کلان توسعه قرار داشته و به‌واسطه حضور حکومت، از فرایند توزیع بودجه انتفاع بیشتری می‌برند. یادآور می‌شوند که «در تاریخ ایران، پایتخت همواره مرکز نوآوری، انباشت سرمایه، تجمع قدرت و تمرکز خلاقیت‌های اجتماعی، سیاسی، نظامی، فرهنگی بوده است. با استقرار نیروهای توانمند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در آن، جمعیت ارائه‌دهنده خدمات

نیز در پایتخت افزایش می‌یافت و بدین ترتیب رونق اقتصادی در آن شکل می‌گرفت. پیدایش نظام سلسله‌مراتبی در میان شهرها، ارتباط مستقیمی با استقرار نیروهای اجتماعی حاکم بر جامعه در این شهرها دارد. در رأس این سلسله‌مراتب، پایتخت و سپس مراکز ایالات (استان‌ها) ولایات (شهرستان‌ها)، قرار می‌گیرد» (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۵: ۴۱). این موضوع به‌طور مشخصی در قزوین عصر صفویه یعنی زمانی که به‌عنوان پایتخت برگزیده شد، نمود یافته است. تجربه چند دهه اخیر در ایران نشان می‌دهد که دولت به شیوه‌های مختلفی در تکوین و توسعه نظام شهری مداخله می‌کند؛ گسترش دستگاه‌های اداری-اجرایی، توسعه فعالیت‌های صنعتی، استخراج منابع طبیعی به‌ویژه نفت، توسعه راه‌های ارتباطی (جاده‌ای) و توسعه تأسیسات و پادگان‌های نظامی، نمونه‌هایی از فعالیت‌های پایه‌ای هستند که با مباشرت و سرمایه‌گذاری دولت پایه‌گذاری شده و در تبدیل نقاط روستایی به شهر یا توسعه شهرنشینی در شهرهای موجود نقش به‌سزایی داشته است (علی‌اکبری، ۱۳۹۰: ۱۳۲). لذا در سطح ملی، تحولات منطقه‌ای تحت مکانیزم دولتی سامان داده می‌شود. چنانکه چارلز عیسوی در کتاب تاریخ اقتصاد ایران، یکی از دلایل تمرکز و رشد جمعیت تهران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی را پیدایش و افزایش روزافزون نقش دولت در زندگی فردی و اجتماعی می‌داند. به‌این ترتیب تمرکز تصمیم‌گیری به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در رشد هر منطقه قابل توجه می‌گردد (احسن، ۱۳۸۴). در این رابطه کاستللو در کتاب شهرنشینی در خاورمیانه چنین اظهار می‌کند که «نفت در رشد و توسعه شهری از طریق ایجاد مستقیم و غیرمستقیم کار و شغل و از طریق ایجاد امکانات مالی برای سرمایه‌گذاری، سهم بوده است» (کاستللو، ۱۳۸۳: ۷۲). نقش دولت در هدایت تحولات فضایی مناطق در ایران، به‌واسطه سهمی است که در سبد بودجه‌های استانی به خود اختصاص می‌دهد. چنان‌که در استان قزوین در سال ۱۳۷۹ کل اعتبارات استان از منابع دولتی مبلغ ۵۳۴/۹ میلیارد ریال بوده است که از این میزان ۱۸/۳ درصد از منابع ملی و ۵۶/۵ درصد از منابع استانی و مابقی از سایر منابع (ردیف‌ها و تبصره‌های بودجه) تأمین شده است. در سال ۱۳۸۴ این رقم با رشد متوسط سالانه ۲۵ درصد به ۲۰۳۹ میلیارد ریال رسیده است. از این میزان ۳۷/۲ درصد مربوط به منابع ملی و ۳۰ درصد مربوط به منابع استانی می‌باشد. این تغییرات نشان‌دهنده کاهش شدید سهم منابع استانی و افزایش متوسط سالانه ۴۰/۷ درصدی منابع ملی در تأمین مالی استان است که نشان از وابستگی مالی شدید استان به منابع ملی دارد (برگرفته از قانون بودجه). «نکته قابل توجه اینکه در تمامی استان‌های کشور بدون در نظر گرفتن سهم دولتی در بودجه، تراز بودجه‌ای استان‌ها منفی خواهد بود» (عظیمی، ۱۳۷۹). به عبارتی دولت سرمایه‌گذار اصلی تغییرات فضایی در هر استان است. به‌طور کلی در تبیین علل بروز نابسامانی‌های فضایی توسعه در سطح ملی (متعاقباً استان‌ها) بر اساس الگوهای نظری و مطالعات صورت گرفته، سه پارامتر اصلی تأثیرگذار (بر اساس آنچه در شکل شماره ۹ ارائه شده است)، شامل نشت و گسترش سرمایه‌داری پیرامونی، اصلاحات ارضی و اقتصاد دولتی وابسته به نفت سهم اصلی را به خود اختصاص می‌دهند (فرجی ملائی، ۱۳۹۳: ۲۰۸).



شکل شماره ۱۳- عوامل اصلی شکل‌دهنده نظام توسعه منطقه‌ای در ایران

۳- مکانیزم‌های منطقه‌ای

عوامل تاریخی

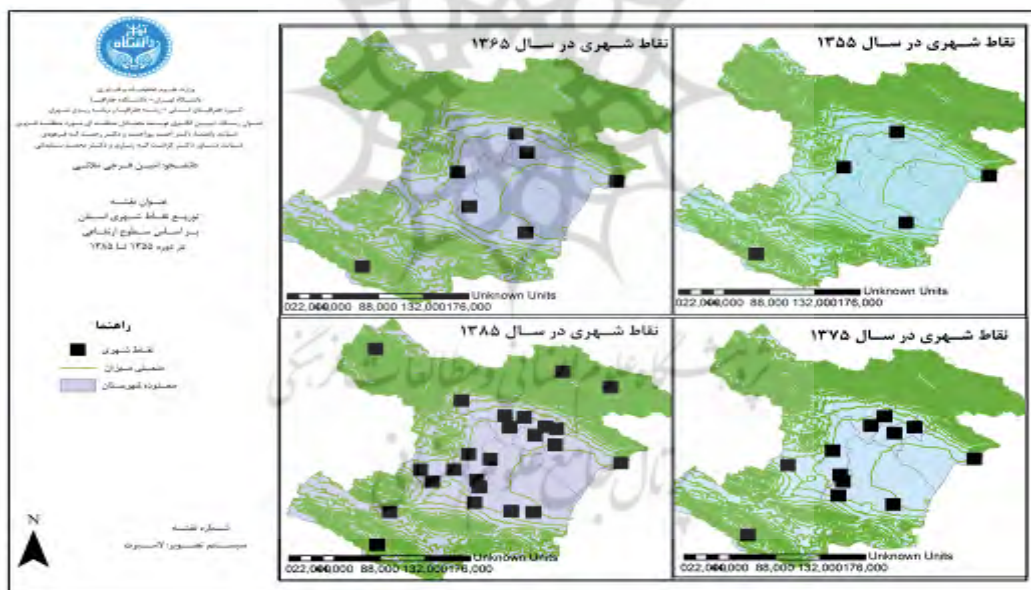
فضا محصول زمان-مکان است. در زمان و مکان است که هر فضایی چه مصنوع و خلق‌شده و چه طبیعی و غیر مصنوع به اشکال گوناگونی پدید می‌شود (عظیمی، ۱۳۷۹: ۸۳). هاروی مثال بسیار روشن و دقیقی عرضه می‌کند که نشان می‌دهد چگونه روح زمان در شکل‌گیری فضای خلق‌شده می‌تواند با عناصر بالنسبه پایدار خود در یک سازمان اقتصادی-اجتماعی به کلی متفاوت همچنان حفظ گردد و چشم‌انداز متفاوتی از شرایط زمان عرضه کند و چه بسا بر کارکرد آن فضا نیز همچنان مؤثر افتد. او می‌نویسد، این اتفاقی نیست که کلیسا و نمازخانه‌های کوچک در سراسر شهر آکسفورد قد بر کشیده است (شهری که در زمان اقتدار کلیسا ساخته شده است)، حال آنکه در عصر سرمایه‌داری انحصاری، این ساختمان کرایسکرو بانک چیس مانهاتان است که در سراسر جزیره مانهاتان قامت برافراشته است (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۴ به نقل از عظیمی، ۱۳۷۶: ۸۴). چنین تحولات فضایی در ساختار منطقه قزوین را نیز می‌توان در چارچوب عوامل تاریخی مورد شناسایی قرارداد. اما شاید بتوان سنگ بنای تاریخی تحولات قزوین را مربوط به عصر صفوی دانست. سازمان سیاسی حاکم بر جامعه ایرانی عصر نخستین شاهان صفوی، تأثیر نیرومندی در دگرگونی‌های اجتماعی شهر و منطقه قزوین برجای گذاشته است. وجود نیروهای سیاسی مجزا شامل رؤسای قبایل، مالکان، شاهان و حاکمان به‌شدت بر مسیر پیشرفتی که این شهر طی کرده، تأثیر داشته‌اند. در دوران صفوی به‌مانند گذشته فرمانروا، محور هر تغییری بود و به همین علت شخصیت حاکمان در تعیین اوضاع اجتماعی و اقتصادی این شهر نقش بسیار بزرگی ایفا کرده است (عادل فر و فراهانی فرد، ۱۳۹۰: ۵۲). در واقع در زمان صفویه با برگزیده شدن قزوین به پایتختی، این شهر اعتبار بیشتری یافت و آثار و بناهای متعددی در آن بنا گردید و جمعیت شهر قزوین را تا صد هزار نفر در آن زمان برآورد کرده‌اند (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۵۱۴ و شاردن، ۱۳۳۵: ۳۵ و ترکمان، ۱۳۵۰). بر مبنای تشریح مختصر تاریخی از شهر قزوین، می‌توان گفت انتخاب یک شهر به‌عنوان مرکز سیاسی به‌واسطه سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در آن، می‌تواند سنگ بنای تغییرات فضایی را در منطقه بنا نهد.

عوامل طبیعی

توپوگرافی: با توجه به نقشه شماره ۵ از مجموع ۴ گونه ناهمواری در ایران، ۲ گونه آن به صورت بسیار واضح در استان قزوین قابل مشاهده است و در شکل گیری شهرهای استان مؤثر می باشد.

شهرهای کوهستانی: بررسی ها نشان دهنده آن است که از مجموع ۲۴ سکونتگاه شهری استان فقط ۵ شهر را می توان شهرهای کوهستانی نامید. وجود یک چنین توپوگرافی ناهموار عملاً برنامه ریزی فضایی شهرهای کوهستانی را با مشکلات اجرایی و ارتباطی فنی مواجه ساخته است. شهرهای آوج، آبگرم، کوهین، سیردان و معلم کلایه شهرهای کوهستانی استان قزوین را تشکیل می دهند که در مجموع ۲۰ درصد از شهرهای استان و ۱/۸ درصد از جمعیت شهری استان را دارا می باشند.

کوهپایه ای: از مجموع ۲۴ سکونتگاه شهری استان قزوین ۱۹ شهر در وضعیت کوهپایه ای قرار دارند که ۹۰٪ شهرهای استان را تشکیل می دهند و با توجه به حجم جمعیت این شهرها که شامل شهر قزوین (مرکز استان) نیز می شود، در مجموع بیش از ۹۸٪ جمعیت شهری استان قزوین را تشکیل می دهند (نقشه شماره ۱۴). در عین حال با بررسی شهرهای شکل گرفته در منطقه در سال های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، می توان عامل طبیعی و ظرفیت ها و محدودیت هایی را که طبیعت ایجاد نموده به عنوان یکی از عوامل اولیه در شکل دهی به ساختار فضایی نقاط شهری منطقه ارائه نمود.



شکل شماره ۱۴- نقش سطوح ارتفاعی در شکل دهی و توزیع نواحی شهری در دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵ (منبع: تقسیمات کشوری، ۱۳۸۸؛ منابع طبیعی استان قزوین - مرکز آمار ایران - ترسیم نگارنده)

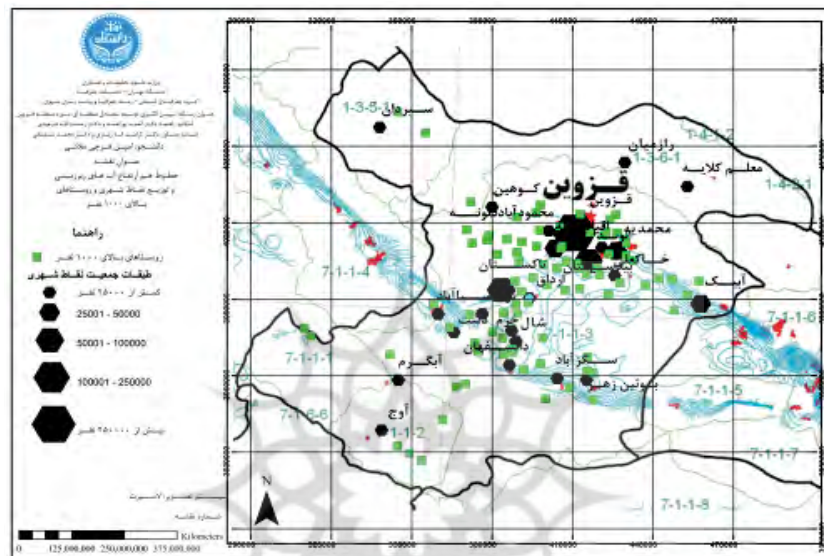
دسترسی به آب

اهمیت آب در حیات و شکوفایی جوامع شهری تا حدی است که ویت فوگل^۱ تمدن های مشرق زمین را به وجود آن وابسته می داند و از این تمدن ها به عنوان تمدن آبی^۲ یا جوامع وابسته به آب^۱ نام می برد (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۶۳ به نقل از

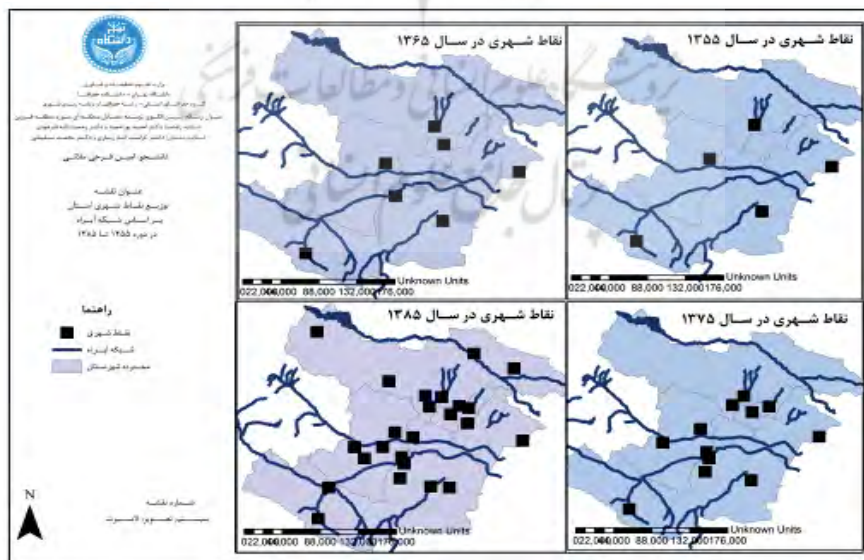
1-Wittvogel

2-Hydraulic Civilization

رهنمائی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۵: ۳۷-۳۶). به‌طورکلی سیر تمدن مدنیت، ازجمله شهرنشینی به‌عنوان بردار اصلی آن به‌شدت به آب وابسته است (رهنمائی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۵: ۳۷). ازاین‌رو می‌توان دسترسی به آب را به‌عنوان یکی از عوامل اولیه و یا شکل‌دهنده در ساختار فضایی منطقه در نظر گرفت (نقشه شماره ۱۵). درواقع با توجه به خاستگاه روستایی بسیاری از نواحی شهری در ایران به‌طور عام و در منطقه قزوین به‌طور خاص، و نقشی که دسترسی به آب در پیدایش روستاها به‌واسطه نقش قالب آن‌ها که کشاورزی بوده است؛ داشته، می‌توان به‌ضرورت بررسی پراکنش نقاط شهری در ارتباط با توزیع شبکه آبراه و آب‌های زیرزمینی منطقه پی برد (پورمحمدی املشی و فراهانی فرد، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۵).



نقشه شماره ۱۵- توزیع روستاهای بالای ۱۰۰۰ نفر و نقاط شهری بر مبنای خطوط هم‌ارتفاع آب‌های زیرزمینی (منبع: تقسیمات کشوری، ۱۳۸۸؛ صدیقیان و همکاران، ۱۳۸۵ - ترسیم نگارنده)



نقشه شماره ۱۶- نقش شبکه آبراهی در شکل‌دهی و توزیع نواحی شهری در دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵ (منبع: تقسیمات کشوری، ۱۳۸۸؛ منابع طبیعی استان قزوین - مرکز آمار ایران - ترسیم نگارنده)

موقعیت مواصلاتی

بسیاری از شهرهای ایران رشد فضایی و اهمیت یافتن خود را مدیون موقعیت جغرافیایی خود هستند. شهرهای میان راهی نظیر قم، رودبار، رودهن، بستان‌آباد، تاکستان، آوج و نیز قزوین به دلیل قرار گرفتن در فواصل معینی از مراکز شهرهای بزرگ باعرضه خدمات پذیرایی و تدارکاتی به رشد فضایی و توسعه اقتصادی خود کمک می‌نمایند (رهنمایی، ۱۳۸۲: ۴۲). قزوین به لحاظ موقعیت ممتاز جغرافیایی و مواصلاتی همیشه در تاریخ مدنظر بوده است (قزوینی، ۱۳۸۳: ۵۱۲). گذشته از عامل موقعیت جغرافیایی منطقه قزوین در ارتباط با مسیرهای بازرگانی شمالی، جنوبی و غرب، به‌عنوان یک عامل مؤثر دیگر در این زمینه به شمار آورد. این موقعیت استراتژیک تأمینی برای رشد و رونق فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی این شهر در طول تاریخ بوده است (یوسفی فر، ۱۳۹۰).

تأثیر فرآیند توسعه صنعتی

با گام برداشتن در راه توسعه صنعتی به‌ویژه در مراحل آغازین صنعتی شدن، به دلیل پتانسیل‌های ویژه نواحی، به‌طور اجتناب‌ناپذیری پدیده تمرکز ناموزون جمعیت بروز می‌کند (پوراحمد و فلاحیان، ۱۳۸۴: ۱۷۴ و اترز، ۱۹۸۷: ۱۳). از زمان انقلاب صنعتی، شهرنشینی و صنعتی شدن به موازات هم پیش رفته‌اند. مهم‌ترین دلیل جذب صنایع به شهرها، مزایای سودآوری است که اقتصاددانان و جغرافیدانان به آن‌ها صرفه‌های ناشی از تجمع^۱ می‌گویند. بعد از مشروطیت تا پایان دوران قاجار، قزوین به روال گذشته یکی از مراکز عمده مبادله کالا و دادوستد با روسیه به شمار می‌آمد. گروهی از اتباع روسیه با توجه به نفوذ روسیه تزاری برای پاسخ گفتن به نیازهای مردم شهرها به تأسیس کارخانه‌های تولید مواد مصرفی پرداختند. نخستین اقدام در ایجاد یک کارخانه در قزوین به سال ۱۹۰۷ (میلادی) مربوط می‌شود. چند سال بعد (۱۹۱۴ م.) نخستین کارخانه ریسندگی توسط آلمانی‌ها پایه‌گذاری می‌شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، ۱۳۸۰). در بهار سال ۱۹۱۳ میلادی "ترگریگوریان" ارمنی از اتباع روس، دومین کارخانه آسیاب بخاری را با ظرفیت تولید ۸ پودر آرد در قزوین دایر می‌کند (میلز و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۵-۱۳). از دهه دوم قرن چهاردهم با توجه به تغییراتی که در سازمان اداری کشور به وجود آمد، سبب شد تا یک‌رشته فعالیت‌های گسترده ساختمانی و راه‌سازی و صنعتی پا بگیرد. در کنار آن به مدد قراردادهای تهاتری بازرگانی با چند کشور، برای محصولات کشاورزی، مشتری پیدا شد و در نتیجه سبب گردید تا شرایط اقتصادی منطقه تغییر کند. در شهر قزوین نیز کارخانه‌هایی که در دهه قبل کار ایجادشان آغاز شده بود، به تولید محصول پرداختند و کارخانه‌های جدیدی نیز در این دهه ایجاد شدند. اکنون حدود ۱۰۰ سال از آن زمان می‌گذرد و این شهر به‌واسطه نزدیکی با تهران در ردیف قطب‌های صنعتی کشور قرار گرفته است. دیگر رخدادهای مهم صنعتی که تأثیر زیادی بر نظام شهری استان قزوین داشته است، تصمیم هیأت وزیران در مورد ممنوعیت ایجاد واحدهای صنعتی در محدوده ۱۲۰ کیلومتری شهر تهران در سال ۱۳۴۶ می‌باشد. نتیجه آنکه استقبال سرمایه‌گذاران به‌واسطه نزدیکی شهر قزوین با تهران (بازار مصرف، بزرگ‌ترین مکان دادوستد) و قرار داشتن این شهر در مسیر راه‌آهن، بهترین راه‌های دسترسی آسفالت (آزادراه) و خصوصاً قرار داشتن

آن در مسیر جاده ترانزیتی غرب و مهیا بودن آب و برق موردنیاز واحدهای صنعتی و اتخاذ تصمیم مناسب چون تأسیس شهر صنعتی البرز در راستای مصوبه مذکور در سال ۱۳۴۶ بوده است (میلز و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۵-۱۳). به‌طور خلاصه می‌توان روند استقرار صنایع در شهر قزوین و نواحی پیرامونی آن یعنی شهر صنعتی البرز را در قالب جدول شماره ۳ نشان داد.

جدول شماره ۳- چگونگی استقرار واحدهای صنعتی در دهه‌های پیشین استان قزوین (منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، ۱۳۸۰)

دهه	تعداد کارگاه	درصد
۱۳۴۰	۱۰	۰/۹
۱۳۵۰	۹۱	۷/۹
۱۳۶۰	۲۶۶	۲۳/۲
۱۳۷۰	۷۸۰	۶۸
جمع	۱۱۴۷	۱۰۰

نتیجه‌گیری

منطقه به‌عنوان بخشی از سیستم کلان ملی و جهانی است (بر مبنای نظریه ساختارگرا به‌عنوان نظریه عام مقاله) همواره متأثر از تغییرات و کنش‌های ملی و جهانی از یک‌سو تحولات درونی از سوی دیگر است لذا در صورتی که بخواهیم این فرایند تغییر و تحولات را در چارچوب جهانی و ملی مورد ارزیابی قرار دهیم همواره یک رابطه دیالکتیکی با تحولات جهانی و ملی با تغییرات ماتریس فضایی منطقه‌ای وجود دارد؛ اما ممکن است در فازهای زمانی مختلف و با تقدم و تأخرهایی همراه باشد. لذا امکان جدا نمودن تحولات فضایی از تحولات جهانی و ملی به‌ویژه در تحلیل نابرابری و عدم تعادل‌های جغرافیایی در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. در گذر تاریخی تحولات منطقه‌ای در ایران در دوره‌های مختلف، نقش نیروهای داخلی و خارجی تغییر کرده است. امروزه با توسعه وسایل ارتباط جمعی و تبدیل شدن سرمایه‌داری به وجه قالب در مناسبات جهانی، تحولات ملی نیز به‌عنوان بخشی از سیستم جهانی همواره و به‌موازات تغییرات جهانی، تغییر کرده و اشکال جدیدی از توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت را جهت تسهیل مکانیسم انباشت سرمایه‌دارانه فراهم آورده است. بر اساس آنچه ذکر آن گذشت مجموعه علل و عوامل و نیروهای تأثیرگذار در ماتریس فضایی مناطق در ایران به‌طور عام و منطقه قزوین به‌طور خاص را می‌توان به دودسته نیروها و عوامل بیرونی و نیروهای داخلی از یک‌سو مکانیزم‌های اولیه و مکانیزم‌های ثانویه از سوی دیگر دسته‌بندی کرد. در این مقاله تنها مکانیزم‌های اولیه با تأکید بر عوامل بیرونی و درونی بررسی گردید. نیروهایی چون استعمار، تقسیم‌کار جهانی، استعمار نو، تحریم‌ها، تنظیم ساختار جهانی، جهانی‌شدن، انقلاب اطلاعاتی و باز ساخت اقتصادی (محو صنعت از شهرها، ظهور اقتصاد خدمات دانش‌پایه، و...) از جمله عوامل و نیروهای بیرونی مؤثر در تحولات فضایی مناطق کشورهای در حال توسعه است. در مقابل اصلاحات ارضی، گسترش سیستم سرمایه‌داری پیرامونی یا وابسته و نیز اقتصاد رانتی وابستگی مناطق به بودجه دولتی و ساختار سلسله‌مراتبی در توزیع بودجه از جمله عوامل و مکانیزم‌های ملی یا داخلی هستند که در داخل، زمینه بروز ساختار تک‌هسته‌ای و متمرکز

در توزیع فضایی جمعیت و فعالیت را منجر شده است. در عین حال تغییرات ماتریس فضایی و شکل یابی نوع خاصی از چیدمان فضایی عناصر جغرافیایی (جمعیت و فعالیت) را نمی‌توان بدون توجه به پتانسیل‌های طبیعی مانند توپوگرافی و دسترسی به آب، پیشینه تاریخی، موقعیت استراتژیک (مواصلاتی) و روند تحولات صنعتی مطالعه نمود. چنان‌که بررسی‌های مقاله حاضر حاکی از نقش این عناصر در تمرکز فضایی جمعیت و فعالیت در شهر قزوین دارد. بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد که هر منطقه در چارچوب پیچیده‌ای از فرایندها در سطح جهانی، ملی و نیز منطقه‌ای، نحوه پراکنش عناصر جغرافیایی خود را شکل می‌دهد.

منابع

- ۱- احسن، مجید (۱۳۸۴) چشم‌انداز تمرکززدایی از تهران؛ مطالعات فرادست طرح جامع تهران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۲- افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ۳- اولناریوس، آدام (۱۳۶۹) سفرنامه اولناریوس، ترجمه حسین کرد بچه، تهران: انتشارات کتاب برای همه.
- ۴- بهیکش، محمدمهدی (۱۳۸۰) اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران: نشر نی.
- ۵- امین، سمیر (۱۳۸۰) اقتصاد سیاسی قرن بیستم، ترجمه ناصر زرافشان، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
- ۶- پوراحمد، احمد و فلاحیان، ناهید (۱۳۸۴) بررسی روند شکل‌گیری محورهای صنعتی پیرامون شهر تهران با تأکید بر محور کرج-قزوین، پژوهش‌های جغرافیایی، پاییز ۱۳۸۴، دوره ۳۷، شماره ۵۳، صص. ۱۹۲-۱۷۳.
- ۷- پورمحمدی املشی، نصرالله و فراهانی فرد، رقیه (۱۳۹۱) نقش عوامل طبیعی بر توسعه و رکود شهر قزوین؛ پایتخت دوره صفوی، مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهشنامه انجم ایرانی تاریخ، تابستان ۱۳۹۱، دوره ۳، شماره ۱۲، صص. ۱-۱۲.
- ۸- پیران، پرویز (۱۳۷۰) دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی - مکتب اقتصاد سیاسی فضا، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۲-۵۱، صص. ۷۱-۸۵.
- ۹- حکمت نیا، سید حسن و موسوی میر نجف (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، چاپ اول، یزد: انتشارات علم نوین.
- ۱۰- دفتر آمایش و توسعه پایدار (۱۳۸۳)، طرح آمایش سرزمین افق ۱۴۰۴، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- ۱۱- رزمی، زهرا (۱۳۸۳) مفهوم جهانی‌شدن اقتصاد؛ فرایند قابل تحلیل، مجله پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۳، صص. ۱۹۷-۲۲۸.
- ۱۲- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۳) دولت و شهرنشینی نقدی بر نظریه عناصر قدیمی شهر و سرمایه‌داری هانس بوبک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، بهار ۱۳۷۳، دوره ۹، پیاپی ۳۲، صص. ۲۶-۱۷.
- ۱۳- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۲) مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی؛ جغرافیا، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
- ۱۴- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۸) دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران)، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، زمستان ۱۳۸۸، پیش شماره، صص. ۱۶۵-۱۴۳.
- ۱۵- رهنمایی، محمدتقی و شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۸۵) فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۶- رهنمایی محمدتقی و ثوقی لنگ، شهروز (۱۳۹۲) تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای ایران از منظر اقتصاد سیاسی، جغرافیا، زمستان ۱۳۹۲، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص. ۳۳-۵۱.
- ۱۷- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶) بررسی تحولات نخست شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، بهار ۱۳۸۶، شماره ۲۹، صص. ۲۸-۳۹.

- ۱۸- زیویار، پروانه و فرجی ملائی، امین (۱۳۹۱) برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تعادل در شبکه شهری در ایران، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، بهار ۱۳۹۱، دوره ۲، شماره ۲، صص. ۱۷۷-۱۹۳.
- ۱۹- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین (۱۳۸۰)، مطالعات و برنامه‌ریزی استان قزوین، صنعت - معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی.
- ۲۰- شاردن، ژان (۱۳۳۵) سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- ۲۱- شبلینگ، ژ (۱۳۷۷) جغرافیا چیست؟، ترجمه سیروس سهامی، مشهد: انتشارات محقق.
- ۲۲- شکویی، حسین (۱۳۷۵) دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۳- شکویی، حسین (۱۳۷۹) فلسفه جغرافیا، چاپ دهم، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- ۲۴- شکویی، حسین (۱۳۸۵) اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- ۲۵- شکویی، حسین (۱۳۹۱) جغرافیای اجتماعی شهرها اکولوژی اجتماعی شهر، چاپ ششم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۲۶- عادل فر، علی و فراهانی فرد، رقیه (۱۳۹۰) کالبدشناسی شهری قزوین در دوران صفوی، تحقیقات تاریخ اجتماعی، زمستان ۱۳۹۰، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۷۰-۵۱.
- ۲۷- عسگری، علی (۱۳۹۰) تحلیل‌های آمار فضایی با GIS، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات شهرداری.
- ۲۸- عظیمی، ناصر (۱۳۷۹) تحولات نظام شهری در گیلان: گذشته، حال و آینده، رساله درجه دکتری در جغرافیای شهری، استاد راهنما مصطفی مؤمنی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ۲۹- علی‌اکبری، اسماعیل (۱۳۹۰)، ساختار شناسی بردارهای شهرنشینی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات مهکامه.
- ۳۰- فرجی ملائی، امین (۱۳۹۳) تبیین الگوی توسعه متعادل منطقه‌ای (منطقه قزوین)، رساله دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمای احمد پوراحمد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- ۳۱- قزوینی، میرزا محمد طاهر (۱۳۸۳) تاریخ جهان‌آرای عباسی، تصحیح سید سعید میر محمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۲- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹) اقتصاد سیاسی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۳- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۴) عصر اطلاعات، جلد اول، تهران: جامعه شبکه‌ای.
- ۳۴- کاستللو، وینسنت فرانسیس (۱۳۸۳) شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- ۳۵- محمد زاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۰) شهرهای متوسط و شهری شدن جهان، فصلنامه مدیریت شهری، بهار ۱۳۸۰، شماره ۵، صص. ۸۷-۸۰.
- ۳۶- مرکز آمار ایران سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۶۵-۱۳۷۵-۱۳۸۵.
- ۳۷- معصومی اشکوری، سید حسن (۱۳۸۳) توسعه صنعتی و تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران (سال‌های پس از دهه ۱۳۴۰)، رساله دکتری شهرسازی، به راهنمایی اسفندیار زبردست، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران.
- ۳۸- مهدوی وفا، حبیب‌الله؛ رضویان، محمدتقی؛ مؤمنی، مصطفی (۱۳۸۸) نقش اقتصاد سیاسی در ساختار فضایی تهران و پیرامون، مجله محیط‌شناسی، تابستان ۱۳۸۸، دوره ۳۵، شماره ۵۰، صص. ۱۴-۱.
- ۳۹- میلز، ادوین و بروس، همیلتون (۱۳۷۵) اقتصاد شهر، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
- ۴۰- هاروی، دیوید (۱۳۷۶) عدالت اجتماعی و شهر، مترجم: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی زاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته شهرداری تهران).
- ۴۱- هاروی، دیوید (۱۳۸۶) تاریخ مختصر نئولیبرالیسم، ترجمه محمود عبدالله زاده، چاپ اول، تهران: نشر اختران.

۴۲-یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۰)، جستاری در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- 43-Aguilar, A.G. & Ward, P.M. (2003) Globalization, Regional Development, and Mega-City Expansion in Latin America: Analyzing Mexico City's Peri- Urban hinterland, *Cities*, Vol 20, No1, pp. 3-21.
- 44-Harvey, David.(2008) The right to the city, *New Left Review*, 53, [http:// newleftreview.org /II/53/david-harvey-the-right-to-the-city](http://newleftreview.org/II/53/david-harvey-the-right-to-the-city)
- 45-Klapka, Pavel. & Frantal, Bohumil. & Halas, Marian. & Kunc, Josef. (2010) Spatial organisation: development, structure and approximation of geographical systems. *Moravian Geographical Reports*, Brno, Ústav geoniky AV ČR, Vol 18, No 3, pp. 53-65.
- 46-Lo, Fu-chen. (1994) The impact of current global adjustment and shifting techno-economic paradigm on the world city system, pp. 103-131.
- 47-In R. Fuchs (eds), *Mega City Growth and the Future*. Tokyo: United Nations University Press.
- 48-Pacione, Michael. (2005) *Urban Geography. a Global Perspective*, Second Edition, Published by Routledge.
- 49-Saito, Asato. (2000) *Global City in Developmental State: Urban Restructuring in Tokyo*, Department of Geography and Environment, School of Economic and Political Science, London, pp.1-16.
- 50-Wallerstein, Immanuel. (1967)*The capitalist World Economy*, Cambridge University Press, New York.
- 51-<http://www.qazvin.ir/web/guest/12>

